



شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۴
 وطن امروز | شماره ۴۴۲۷

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

فایده آرمانگرایی

اولین خاصیت ایمان این است که برای انسان آرمان به وجود می‌آورد و خاصیت آرمان این است که مساعی و کوشش‌های انسان را از پراکندگی نجات می‌دهد و تمام وجود انسان و تمام نیروها و فعالیت‌های انسان جهت پیدا می‌کند و رو به یک سو می‌شود.

مرتضی مطهری
 آشنایی با قرآن
 جلد ۱۳، صفحه ۱۷۱



احمد بن حنبل

از فضل علی^(ع) می‌گوید...

احمد بن حنبل می‌نویسد: آیاتی که در شأن علی علیه‌السلام در قرآن نازل شده، درباره هیچ‌کدام از صحابه نازل نشده است.

خلیل بن احمد بالاتر از این را هم گفته است. از او پرسیدند: «**الدلیل علی أفضلیه علی؟**» دلیل افضل بودن علی علیه‌السلام چیست؟ پاسخ داد: «**اجتنباج الکلی الیه فی الکلی، و استغناؤه من الکلی فی الکلی.**» دلیل علی آنکه افضل من الکلی، احتیاج همه صحابه به او در تمام امور و بی‌نیاز بودن او از همه در تمام امور، دلیل بر آن است که او از همه افضل و برتر است.» (ترتیب کتاب‌العین، ص۲۸)

همچنین فرمود: «دوستان علی علیه‌السلام فضایلش را از روی دشمنان او از روی حسد، پنهان کرده‌اند، با این حال فضایل آن حضرت شرق و غرب عالم را فرا گرفته است.» «**مَلَأَ الْخَافِقَيْنِ فَضْلَهُ.**»

محمدحسین‌رخشاد
 در **محضر بهجت**
 انتشارات مؤسسه فرهنگی سما
 جلد ۳، صفحه ۸۵

یک حکمت مهم

سیاسی – اجتماعی

یک انسان مسؤول در برابر جامعه و متعهد رسالتی برای مردم و مجاهد راه یک عقیده انسانی، باید «زندگی فردی‌اش را بر ۲ «اصل منفی» استوار کند تا زندگی اجتماعی و اعتقادی‌اش بر ۲ «اصل مثبت» پایدار بماند:

اول: «نداشته باشد»، تا برای «حفظ»‌ش، محافظه‌کار نشود.
 دوم: باید «خواسته باشد»، تا برای کسبش نلغزد و ضعف نشان ندهد.

علی شریعتی
علی(ع)
 مقاله «مذهب علیه مذهب»
 مجموعه آثار، شماره ۲۴
 انتشارات چاپخش
 صفحات ۱۷۳ و ۱۷۴

یک فایده دیگر تحصیلات

یه چیز دیگه‌ای که تحصیلات به آدم می‌ده، البته اگه آدم به اندازه کافی تحصیل کنه، اینه که اندازه ذهن آدم رو نشون می‌ده. نشون می‌ده تا چه حدی کارایی داره و تا چه حدی نه. بعد یه مدت آدم دستش می‌آد که ذهنش چه جور فکرای رو می‌تونه دربرگیره. این به جورایی خیلی خوبه چون به آدم کمک می‌کنه فرصتای بزرگی رو برای افکاری که به آدم نمی‌آد و در حد آدم نیس، تلف نکنه. آدم یاد می‌گیره ذهنشو اندازه بگیره و لباس ذهنشون به اندازه بدوزه.

جی‌دی سالیانجر
 ناتور دشت
 صفحه ۱۸۵

یک خصلت خوب در زندگی

بلوی بزرگوار من! به راستی که چه درم‌داندند آنها که چشم تنگ‌شان را به پنجره‌های روشن و آفتابگیر کلبه‌های کوچک دیگران دوخته‌اند...
 و چقدر خوب است، چقدر خوب است که ما - تو و من - هرگز خوشبختی را در خانه همسایه جستوجو نکرده‌ایم.

این حقیقتا اسباب رضایت خاطر و سربلندی ما است که بچه‌های‌مان هر گز ندیده و نشنیده‌اند که ما از رفاه دیگران، شادی‌های دیگران، داشتن‌های دیگران، سفر‌های دیگران و حتی سلامت دیگران، به حسرت سخن گفته باشیم و من، هر گز، حتی یک نفس شک نکرده‌ام که تنها بی‌نیازی روح بلندپرواز تو این سرفرازی و آسودگی بزرگ را به خانه ما آورده است.

تو با نگاهی پر شوکت و رفیع - همچون آسمان سُخی- از آن نفعی دست‌نیافتنی، به همه ما مومنی که می‌توان از کمترین شادی متعلق به دیگران، بسیار شاد شد، بدون توقع تصرف آن شادی یا سهم‌خواهی از آن.

نادر ابراهیمی
چهل‌نامه کوتاه به همسر
 انتشارات روزبهان
 صفحات ۵۹ و ۶۰

در فضیلت اندوه

هر که به خدا نزدیک‌تر،
 و به دوستی او سزوارتر،
 و به وصال او شایسته‌تر،
 اندوه او بیشتر.

رشیدالدین‌میهدی
تفسیر ادبی و عرفانی کشف‌الاسرار
 جلد اول، صفحه ۶۳

حضرت‌امیرالمومنین^(ع)؛

چون دانش آدمی فروزی گیرد، ادبش افزون می‌شود و ترسش از پروردگارش دوچندان می‌گردد.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
 مدیر‌عامل: رضا شکیبایی
 سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
 روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳
 پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
 چاپ: موسسه جام‌جم پرتو برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گفت‌وگوی «وطن امروز» با بهمن کامیار، نویسنده و کارگردان فیلم «لاک‌پشت»

قصد رفتن به اسکار را نداشتیم



لاک‌پشت فیلمی است که از دریچه گفت‌وگوی ۲ شخصیت اصلی‌اش، داستان زندگی آنها را روایت می‌کند؛ شخصیت‌هایی که یکی از آنها روان‌پزشک است و دیگری بیمار. این البته یک داستان متعارف از جنس چیزی که معمولاً در فیلم‌ها و سریال‌های دیگر با آن مواجه می‌شویم نیست، بلکه روایتی روانشناختی، در فضایی معلق بین وهم و واقعیت است. این معلق بودن ناشی از دگرگونی‌های شخصیتی و ذهنی است که می‌تواند بر اثر عذاب وجدان یا ترس از طرد شدن به وجود آمده باشد. البته این نوع فضاهای روایی، برای علاقه‌مندان سینما و ادبیات کاملاً ناآشنا نیست و آثار متعددی در این زمینه تولید شده که بعضی از آنها موفق بوده‌اند. حتی در سینمای ایران هم نمونه‌های متعددی از روایت‌های اینچنینی را می‌شود سراغ گرفت؛ از فیلم‌های جنگی که سفر در زمان یا ملاقات زندگان با درگذشتگان را نمایش می‌دادند تا آثاری که با قرار گرفتن در POV ذهنی افراد مبتلا به مسائل روانشناختی یا حتی مصرف‌کنندگان قرص‌های روانگردان، مرز بین واقعیت و وهم را در هم می‌شکستند. به نظر می‌رسد این نوع فیلم‌ها باید از کم‌درسترین آثار سینمای ایران باشند اما لاک‌پشت پس از ۲ سال توانست مجوز اکران بگیرد؛ فیلمی که کارگرداش می‌گوید از ساخت آن، دغدغه طرح مسائل سیاسی و اجتماعی را نداشته و قصد شرکت در جشنواره‌ها را هم ندارد. این فیلم با باز ماندن از حضور در فجر چهل‌ودوم، در بخش ویژه فجر چهل‌وسوم به نمایش درآمد و حالا در پاییز ۱۴۰۴ روی پرده سینماهاست. بهمن کامیار، متولد ۱۳۵۹ در بیرجند که تحصیل کرده رشته حقوق خصوصی است و کارگردانی سینما را از ۱۰ سال پیش به طور حرفه‌ای تجربه کرد، غیر از کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی لاک‌پشت را هم بر عهده داشت؛ کارهایی که معمولاً برای سایر آثار خودش هم انجام می‌داد او البته تهیه‌کننده فیلم «سد معبر» به‌نویسندگی سعیدروستایی و کارگردانی محسن قرایی هم بود و در «شیفت شب» به کارگردانی نیکی کریمی، سرمایه‌گذاری کرده بود.

در «لاک‌پشت» فرهاد اصلی، صابر ابر، نازنین بیاتی، آزتا حاجیان، هومن برق‌نورد و یازگرن دیگری مثل جمشید گرگین، علیرضا آقاخانی و نازنین کریمی حضور داشته‌اند که کامیار برای حضور بعضی از آنها در فیلمش سال‌ها صبر کرده است.

در گفت‌وگویی که می‌خوانید، کامیار درباره ایده و انگیزه‌های ساخت آخرین فیلمش با ما صحبت کرد و از آنجا که لاک‌پشت ممکن است اصطلاحاً یک «فیلم سخت» برای بعضی مخاطبان عام باشد، لایه‌برداری از بعضی گر‌های روایی فیلم که در این گفت‌وگو انجام شده، احتمالاً می‌تواند برای تعدادی از این مخاطبان مفید باشد. به‌علاوه او در این مصاحبه درباره تأخیر ۲ ساله در نمایش فیلمش، صبر ۶ ساله برای همکاری با فرهاد اصلی، اولویت نداشتن حضور در جشنواره‌های خارجی و البته دلخوری‌هایش بابت عدم حضور در بخش رقابتی فجر و چندین نکته دیگر صحبت کرده که در ادامه می‌خوانید.

■ **به چه نحوی ایده فیلم برای شما پدید آمد؟ آیا درون روایت به دنبال آسیب‌شناسی در زمینه خاصی بودید؛ یعنی اینکه قصد بیان یک نقد اجتماعی و اخلاقی را در ساختار اثر داشتید؟**

در فیلم من به هر حال نقد یک شرایطی وجود دارد اما نه یک نقد اجتماعی با سیاسی. بیشتر، موضوع حول روشنگری درباره این است که ما بسیاری مواقع در زندگی‌مان عمدتاً تحت فرمان ذهن هستیم تا چیزی که در دنیای واقعی ممکن است برای ما پیش بیاید. ایده اثر هم از اینجا شکل گرفت که من در اطرافیان و حتی در خودم مشاهد می‌کردم گاهی اوقات غالباً مسائل ذهنی نه‌تنها روی کنش، بلکه روی کیفیت زندگی، نحوه‌تعامل با دیگران و خلقیات ما بیشتر تأثیر می‌گذارد تا مسائل واقعی.

■ **در آثاری که واقعیت و خیال باهم ترکیب می‌شوند، معمولاً محرکی خاص باعث این توهم است. مثلاً در فیلم «باشگاه شمشزنی»، بی‌خوابی نقش این محرک را ایفا می‌کند. در فیلم شما به روشنی دلیل این وهم به نمایش نمی‌رسد؛ می‌شود**

نگران شکست در گیشه و فروش نبودید؟
 واقعیت امر این است که من اصلاً به فروش و گیشه فکر نمی‌کردم. هر چند معتقدم اثرم مخاطب عام را هم می‌تواند جذب کند. خدا را شکر با توجه به یک هفته‌ای که از اکران فیلم گذشته، احساس می‌کنم مخاطب عام هم با آن ارتباط برقرار کرده است.

■ **فیلم‌های دلهره‌آور و روانشناختی زیادی در طول تاریخ سینما ساخته شده که سعی در تلفیق واقعیت و وهم دارند؛ مثل «ماشینیسنت»، «جاده مال‌هالاند» و امثال اینها؛ اثری که بیشتر از همه در این فضای روانشناختی و وهم‌آلود روی شما تأثیر گذاشته چه فیلمی بوده؟**

منی توانسم به طور قطع فیلمی را انتخاب کنم و بگویم تحت تأثیر فلان فیلم، اثرم را ساختم اما فیلمساز محبوب من که همیشه دنبال کردم و آثارش را بارها و بارها دیدم دیوید لینچ است.

■ **با توجه به اینکه فیلم شما در برهه‌ای توقیف بود و بعد در بخش خارج از مسابقه جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد، توقیف یا سانسور تا چه حد اثر شما را دچار تغییر کرد؟**

سانسور در نسخه فعلی چندان تأثیر منفی نداشت. موضوع این بود که سانسور و ممیزی که در دوره قبلی مدیریت سازمان سینمایی به فیلم اعمال شد برای ما غیر قابل تمکین بود؛ یعنی ما نمی‌توانستیم تغییرات خواسته شده را اعمال کنیم، چرا که اثر

اذعان کرد علت این توهم عذاب وجدان است؟
 چیزی که در واقع اینجا سبب به وجود آمدن آن وضعیت برای شخصیت «پیروز» می‌شود، ترس از طرد و تنها شدن است. یعنی در واقع ریشه این ترس به تجربیات قبلی که پیروز در زندگی با همسر سابقش داشته برمی‌گردد. به طور کلی ترس از تنهایی نسبت به شایان و همسرش و عذاب وجدانی که نسبت به دخترش دارد، مجموعه باعث توهم در پیروز شده است، نه محرکی معین مثل بی‌خوابی یا دارویی خاص.

■ **فیلم‌های دارای فضای وهم‌آلود معمولاً پایان بازی دارند و سعی‌شان بر این است که مخاطب را به نوعی در شک و عدم اطمینان به هر چیزی نگه دارند. آیا فکر نمی‌کنید این نوع پایان‌بندی باعث دل‌سرد شدن مخاطب می‌شود؟**

می‌توان گفت این نکته مربوط به پایان‌بندی ممکن است مخاطب عام را اندکی سرخورده کند اما به نظر من مخاطب جدی سینما اتفاقاً از این نوع پایان بیشتر خوشش می‌آید. هرچند فیلم ما کاملاً پایان بسته‌ای دارد. یعنی شخص است ترس و وهم در پیروز همچنان ادامه خواهد داشت؛ او مثل یک لوپ از این بازی خلاصی ندارد، چرا که این اتفاقات برایش مدام تکرار می‌شوند. در اصل کاراکترهایی مثل پیروز با یک واقعه مشخص ماجرای‌شان خاتمه نمی‌یابد و ترس در قالب و بهانه‌های مختلف نزد آنان خودنمایی می‌کند.

■ **فکر می‌کنید فیلم‌هایی در این دسته و ژانر، با توجه به اینکه در ایران کمتر به آنها پرداخته شده، مخاطب عام را جذب می‌کنند؟ یعنی شما**

صمود موج آزادگی

اسرائیل توسط اسپانیا و ابراز «گرانی» بریتانیا، بازداشت فعالان ناوگان بزرگ صمود خشم جهانی را تشدید کرده است. این اقدام نهنه‌افشارهای دیپلماتیک را افزایش داده، بلکه پرسش‌هایی درباره مشروعیت اقدامات اسرائیل در برابر تلاش‌های بشر دوستانه مطرح کرده است. کاروان تحلیلی، این رویداد نقضات جهانی را عیان می‌کند. اسرائیل، با حمایت ضمنی قدرت‌های غربی، محاصره‌های غیرقانونی را حفظ می‌کند اما شکست ظاهری کاروان، موفقیتی پنهان به بار آورد. افزایش آگاهی عمومی، هشتگ صمود میلیون‌ها بازدید در ایکس داشته و چهره‌ای چون تونبرگ که پیش‌تر برای محیط زیست مبارزه می‌کرد، حالا صدای غزه شده است. این تغییر پارادایم، از کمپین‌های ایزوله به جنبشی جهانی، دولت‌ها و

۱۰ میلیارد نا قابل!

عملیات نظامی، ۱٫۵ میلیارد دلار برای خسارات زیر ساختی، ۱۶ میلیارد دلار برای بسیج نیروهای ذخیره و ۰٫۲ میلیارد دلار برای زیان‌های اقتصادی غیر مستقیم، اما پیامدهای این جنگ فراتر از ارقام مالی است و اقتصاد و استراتژی اسرائیل را در موقعیت شکننده‌ای قرار داده است. افزایش ۱۰ میلیارد دلاری بوجه نظامی، عمدتاً برای بازسازی ذخایر موشک‌های Arrow، خرید تسلیحات فوری و تقویت زیرساخت‌های دفاعی تخصیص یافته است اما این افزایش، کسری بودجه را از ۴٫۹ به ۵٫۲ درصد GDP رسانده و خطر کاهش رتبه اعتباری اسرائیل را بیش از هر زمان دیگری افزایش داده است. برای تأمین این بودجه، دولت صهیونیستی مجبور شده ۱۰ میلیارد شیکل سالانه از بخش‌های آموزش، بهداشت و رفاه اجتماعی کسر کند که به هر خاور صهیونیست متوسط ۴۰۰۰ شیکل (۱۲۰۰ دلار) زیان تحمیل کرده است. به همین دلیل تصمیم کنستت با

جنگ علیه ایران نیز به همین اندازه قابل توجه است. حملات موشکی ایران به زیرساخت‌های حیاتی اسرائیل، خسارتی حدود ۱٫۵ میلیارد دلار (۵ میلیارد شیکل) به بار آورد. این رقم ۲ برابر خسارات ناشی از حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ است. بیش از ۴۶ هزار ادعای جبران خسارت از سوی صهیونیست‌ها و کسب و کارهای فعال در سرزمین اشغالی ثبت شد که هزینه‌های جابه‌جایی و اسکان موقت را افزایش داد. از نظر اقتصادی، جنگ با ایران اثرات عمیقی بر بازارهای مالی رژیم صهیونیستی گذاشت؛ شاخص بورس تل‌آویو در هفته اول جنگ ۱۲ درصد افت کرد، سرمایه‌گذاری خارجی کاهش یافت و پیش‌بینی رشد GDP برای ۲۰۲۵ از ۴٫۳ به ۳٫۶ درصد تنزل کرد. این زیان‌های اقتصادی غیر مستقیم، حدود ۰٫۲ میلیارد دلار (۱٫۷ درصد کل هزینه جنگ) برآورد شده است. در مجموع، هزینه جنگ ۱۲ روزه به ۱۲ میلیارد دلار رسید؛ ۸٫۷ میلیارد دلار برای



آسیب جدی می‌دید. نسنخ‌های هم که در جشنواره به نمایش رسید با کمترین ممیزی بود و هدف اصلی از نمایش این بود که همه متوجه شوند به اثر ما ظلم روا نیست که بخواهد دقیقاً ۲ سال از مخاطبان دور باشد و از حضور در بخش رقابتی جشنواره محروم شود و در آخر زحمت دست‌اندرکاران فیلم دیده نشود. به طور کلی نگاه سلیقه‌ای که در دوره پیش برای صدور پروانه نمایش وجود داشت اثر ما را دچار تغییر کرد، در حالی که اگر لاک‌پشت نقد سیاسی و اجتماعی خاصی هم داشت از آن لحاظ مشکلی به نظر وارد نبود.

■ **اخیراً اخباری که مربوط به برگزیدگان ایرانی اسکار بود و سداهایی داشت شمابرای نمایش لاک‌پشت عجله‌ای نداشتید که این فیلم شرایط راهیابی به اسکار را داشته باشد؟ در کل معتقد هستنید این نوع کنش‌های بصری چقدر برای مخاطب موفق ظاهر شود؟**

حقیقتاً ما هیچ حمله و قصدی نداشتیم که این اثر به آکادمی اسکار برسد. کلاً فیلم لاک‌پشت را برای رسیدن به جشنواره‌های خارجی ساختیم؛ هرچند ممکن است فیلم من با خط مشی بعضی جشنواره‌ها سازگاری داشته باشد و در صورت شرکت در آن رویدادها به موفقیت‌هایی هم برسد. حتی حالت عکس این هم وجود دارد؛ یعنی فیلم با خط مشی بعضی جشنواره‌ها مطابقت نداشته باشد. در هر حال این فیلم حاصل دغدغه من است. قصاصش را جذب کرده و آن را نوشتم و ۶-۷ سال سر آن صبر کردم تا بازیگران مورد نظر من به این پروژه بیایند. ■ **در اثرتان، پلان‌هایی که به شکل تصاویر نگاتیوی هستند، به یک موتیف تبدیل می‌شوند؛ در جایی دیگر از فیلم ما شاهد آن هستیم که با ورود شایان به فیلم قاب اثر تنگ‌تر می‌شود. معتقدید این نوع کنش‌های بصری چقدر برای مخاطب تأثیر گذار است؟**

به هر حال اینها ترفندهایی است که می‌تواند به عنوان نشانه به شمار برود و نشانگر حس آن صحنه و سکانس باشد. برای مثال هنگام ورود شایان به فیلم، عرصه برای پیروز تنگ می‌شود؛ پس از اینجای اثر به بعد، قاب «چهار به سه» به کمک فیلم می‌آید و حس را بهتر منتقل می‌کند. همانطور که مشاهده می‌کنید در زمان همنشینی پیروز با شایان چقدر پیروز در تنگنا قرار دارد. بنابراین رقم به دلیل انتقال حس در صحنه و سکانس‌های مختلف در خدمت روایت است و هیچ چیزی اتفاقی رخ نمی‌دهد.

■ **چه ویژگی خاصی از آقای اصلی باعث شد ما حین انتخاب ایشان برای نقش پیروز آنقدر آسوده خاطر و مطمئن باشیم؟**
 آقای اصلی توانایی بالایی در پذیرش و رسیدن به هر شخصیتی که شما تصور می‌کنید و نوشته باشید دارد. پیروز به واسطه اینکه بیشتر کنش‌هایش درونی بود و ما بیشتر با وقایع ذهنی این کاراکتر روبه‌رو بودیم تا کنش‌های بیرونی‌اش، شخصیت سختی به شمار می‌رفت. در آخر من کمتر بازیگرایی چون آقای اصلی را سراغ دارم که بتواند از عهده چنین نقشی بر بیاید. با توجه به همه این توصیفات من ۶ سال صبر کردم تا وقت آقای اصلی برای بازی در پروژه‌ام خالی شود و اکنون از این انتخاب خرسند هستم و رضایت دارم.

■ **با توجه به کارنامه آقای صابر ابر، این طور به نظر می‌رسد که وی از فیلم‌هایی که تم روانشناختانه و رمزآلود دارند استقبال می‌کند؛ دلیل شما برای انتخاب این بازیگر چه بود؟**

واقعیت این است من هنگام نگارش فیلمنامه، تنها نام صابر ابر و فرهاد اصلی برای شخصیت‌های شایان و پیروز در ذهنم نقش می‌بست. بعد از پذیرش نقش پیروز توسط آقای اصلی من با این پیشنهاد سرعاً صابر ابر رفته و توانستم با ایشان صحبت کنم. اتفاقاً او هم بعد از خواندن فیلمنامه به‌سرعت نقش را پذیرفت. اما مشکل این بود که صابر، هم مسافرت بود و هم مشغول سریال بازنده. در نهایت او با تغییر برنامه سفرش و حضور به مدت یک هفته سر صحنه فیلمبرداری، توانست به ایفای نقش بپردازد. اساساً دلیل انتخاب صابر ابر توسط من این است که وی یک بازیگر چند وجهی به شمار می‌رود و توانایی بازیگری در دست‌یابی و رسیدن به شخصیت‌های پیچیده و دور از ذهن را دارد. نتیجه خوبی هم که مخاطب در این فیلم مشاهده می‌کند به خاطر توانایی صابر ابر، فرهاد اصلی و نازنین بیاتی است و من هم خوشبختانه شانس این را داشتم که با هر ۳ نفر آنها در لاک‌پشت کار کنم.

شرکت‌ها را تحت فشار قرار داده است. کارشناسان معتقدند این فشار دربرای می‌تواند به تحریم‌های اتحادیه اروپایی علیه محاصره منجر شود، بویژه با توجه به بازداشت نمایندگان پارلمان‌های اروپایی در رژیم که خشم عمومی را در این کشورها دوچندان کرده است. کاروان صمود، با وجود توقف، موجی جدید را آغاز کرده است. فعالان که اکنون در بازداشت اسرائیل و زیر فشار مقاومت می‌کنند و کشتی‌هایی که به جای ساحل غزه به آشدود رسیدند، داستانی از صمود روایت می‌کنند. این رویداد، فراخوانی است به جهان: تا کی این چرخه ادامه خواهد یافت؟ تا زمانی که هزاران کشتی دیگر به آب انداخته شود، تا زمانی که کریدورهای دریایی باز شود و تا زمانی که غزه نفس بکشد.

مخالفت‌های گسترده‌ای در میان نمایندگان پارلمان همراه بود به طوری که در مقابل ۵۵ رأی موافق، ۵۵ عضو کنست مخالف افزایش بودجه دفاعی رژیم صهیونیستی بودند. از سوی دیگر، تخلیه ذخایر موشک‌های پدافندی و سایر تسلیحات دفاعی، نیاز فوری به تولید و تأمین تسلیحات جدید را پرچسته کرد که خود هزینه‌های اضافی‌ای را برای رژیم صهیونیستی به دنبال دارد. با همه اینها، آنچه مشخص است این است که جنگ ۱۲ روزه با ایران، با هزینه‌ای بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار، نهنه‌ها گران‌ترین درگیری تاریخ اسرائیل بوده، بلکه نقطه عطفی در فشارهای مالی و استراتژیکی این رژیم به شمار می‌رود. این جنگ که محور اصلی افزایش بودجه ۱۰ میلیارد دلاری سال ۲۰۲۵ بود، منابع مالی رژیم صهیونیستی را تخلیه کرد، کسری بودجه را افزایش داد، خدمات عمومی را تحت فشار قرار داد و رشد اقتصادی را نیز کاهش داد.